

Selected Successful Models in the Integration of Production and Trade; A Proposed Plan to Eliminate Threats and Economic Damages of the Islamic Republic of Iran

Hadi Haghparast*

Abstract

Today, economics and trade are considered the most important branches of politics and the exercise of power in the world. Therefore, countries have placed economic and trade development at the top of their priorities, and actions such as sanctions are a powerful economic tool applied for political purposes. In this article, with the concern of ensuring the economic security of the Islamic Republic of Iran, an attempt has been made to present models for warding off threats and eliminating economic damage against the Islamic Republic of Iran by examining successful models of trade development and the production process in developed countries such as Germany, Japan, and Turkey, which in their development process have some similarities with the current conditions of Iran in some aspects. The hypothesis of this article, within the theoretical framework of functionalism, is that to eliminate economic damage, it is necessary to improve the quantity and quality of production. To hold off economic threats, the establishment and contribution of international organizations, along with reforming the country's commercial structure from a government model to a private sector participation model, will be effective in this regard. In this study, an applied descriptive research method was used, appropriate to the subject.

Keywords: Economic security, Japan, Germany, Türkiye, and Iran.

* PhD Student, Public Policy, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. email: haghparast@ghadir-group.com

مدل‌های موفق منتخب در یکپارچگی تولید و تجارت؛ طرح پیشنهادی رفع تهدیدات و آسیب‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

هادی حق پرست*

چکیده

اقتصاد و تجارت امروزه از مهم‌ترین شقوق سیاست‌ورزی و اعمال قدرت در جهان به شمار می‌روند. از این رو، کشورها، توسعه اقتصادی و تجاری را در صدر اولویت‌های خود قرار داده‌اند و کنش‌هایی مانند تحریم، ابزار اقتصادی قدرتمندی است که با اهداف سیاسی اعمال می‌شود. در این مقاله با دغدغه تأمین امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تلاش شده است با بررسی مدل‌های موفق توسعه تجارت و فرایند تولید در کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون آلمان، ژاپن و ترکیه که در دوران توسعه خود از بعضی جنبه‌ها شباهت‌هایی نیز با شرایط فعلی ایران دارند، الگوهایی جهت دفع تهدیدات و رفع آسیب‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران ارائه شود. فرضیه این مقاله، در چهارچوب نظری کارکردگرایی به این ترتیب است که به‌طور خلاصه جهت رفع آسیب‌های اقتصادی، ارتقا کمیّت و کیفیت در تولید لازم است و در جهت دفع تهدیدات اقتصادی نیز تأسیس و حضور در سازمان‌های بین‌المللی به همراه اصلاح ساختار تجاری کشور از مدل دولتی به الگوی مشارکت بخش خصوصی در این زمینه مؤثر واقع خواهد شد. در این پژوهش متناسب با موضوع از روش تحقیق توصیفی کاربردی استفاده شده است. واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، ژاپن، آلمان، ترکیه و ایران.

۱. چارچوب نظری و مفهومی

به نقل کنت والتس،^۱ نماینده مشهور نئوواقع‌گرایی، دولت‌ها به‌جای آنکه دنبال قدرت باشند، در جستجوی امنیت هستند و بنابراین، اگر در شرایطی امنیت خود را در معرض خطر ببینند، از قدرت تا حدی صرف‌نظر می‌کنند. در نتیجه، در شرایطی که یک دولت در آستانه قدرت‌یابی بیشتر برای رسیدن به هژمونی شدن است، دولت‌ها به ائتلاف ضعیف‌تری می‌پیوندند که علیه قدرت برتر است تا بتوانند امنیت خود را در نهایت حفظ کنند (مشیرزاده، ۱۳۹۷).

البته مؤلف با نظر والتس موافق نیست و در تحلیل رفتار دولت‌ها، برخلاف او ضمن پذیرش آنا‌رشی بودن نظام بین‌الملل، اولویت دولت‌ها را نه امنیت، بلکه قدرت می‌داند. در این باره جان مرشایمر،^۲ یک واقع‌گرای ساختاری، با والتس مخالفت می‌کند. مرشایمر معتقد است که دولت‌ها به دنبال قدرت هستند، نه امنیت؛ اما علت را نه در سرشت قدرت طلب انسان، که در سطح ساختاری و سرشت آنا‌رشیکی نظام بین‌الملل و عدم قطعیت ناشی از آن جستجو می‌کند که در نهایت به هراس دولت‌ها منجر می‌شود.

بعد اقتصادی به دلایل دیگری برای رهیافت‌های سنتی واقع‌گرا اهمیت دارد؛ زیرا از معیارهای اصلی که ابرقدرت‌ها براساس آن تعریف می‌شوند قدرت اقتصادی است. منابع اقتصادی یکی از شاخص‌هایی است که برپایه آن قدرت یک کشور را می‌توان برآورد کرد. مفهوم امنیت اقتصادی موضوعات مهمی را مطرح می‌کند. از این رو، نقش تبیین آن در یک رهیافت گسترده، به امنیت اهمیت دارد (شیهان و میکِل،^۳ ۱۳۸۸).

در رویکرد نوین به امنیت ملی ضمن توجه به بعد نظامی، بر نقش عوامل داخلی شامل عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی، علم و دانایی، کارآمدی و توان سیاست‌سازی، روابط دولت و ملت و توان یکپارچه‌سازی تأکید می‌شود (بوزان،^۴ ۱۳۸۹). از این رو، ساختار حکمرانی امنیت ملی نشان‌دهنده شیوه چیش عناصر کالبدی و کارکردی موجود برای مدیریت مؤثر سرزمین با اهداف تأمین منافع ملی است که در آن امنیت، توسعه و رفاه شهروندان در بهترین وضعیت ممکن قرار گیرد (صدرنیا، ۱۳۹۹). براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز حفظ سیستم سیاسی و اقتصادی کشور جزء موارد امنیت ملی و ملاحظات دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. در یک فرایند معمولی اگر قرار باشد به کلیات موضوع امنیت ملی پردازیم، باید آن را در قالب منافع

1. Kenneth Waltz.

2. John Mearsheimer

3. Shihan and mikel

4. Barry Gordon Buzan

ملی ارزیابی کنیم. به طور معمول، گفتمان امنیت ملی و منافع ملی به صورت کلان و به شکلی که اجماع نظر درباره آن وجود داشته باشد شامل موارد زیر است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۹):

۱. حفظ جان مردم؛
۲. حفظ تمامیت ارضی؛
۳. حفظ سیستم سیاسی - اقتصادی؛
۴. حفظ استقلال و حاکمیت کشور.

فارغ از بحث اولویت دولت‌ها در امنیت و قدرت، این نکته در بحث ما بسیار اهمیت دارد که دولت‌ها چه در مسئله تأمین امنیت و چه در گسترش قدرت خود می‌توانند به ائتلاف‌های سیاسی و امنیتی روی بیاورند و در قرن اخیر با شکل‌گیری ناتو^۱ و پیمان ورشو^۲ این سنت بنا نهاده شد که دولت‌ها با یکدیگر امنیت دسته‌جمعی را در منطقه‌ای از جهان تأمین کرده و رقم بزنند. کارکردگرایان^۳ اساس همه همگرایی‌های جهان را در مسائل فنی و اقتصادی خلاصه می‌کنند. آنها همگرایی را الزاماً معطوف به تصمیم سیاسی ندانسته و معتقدند با پیشرفت جوامع مدرن نیازهای فنی و کارکردی به وجود می‌آید که هیچ‌یک از کشورها به تنهایی قادر نیستند این مسائل را حل کنند و از سوی دیگر، همکاری در یک حوزه به دیگر حوزه‌های دیگر سرایت می‌کند. نهایتاً این همکاری اشباع شده و به حوزه‌های سیاسی نیز سرایت خواهد کرد.

کارکردگرایان بر این عقیده‌اند که واحدهای جداگانه سیاسی به تأمین خواست‌ها و نیازهای انسانی در چارچوب بسته خود قادر نیستند؛ زیرا احتیاجات جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جستجو کرد و همین امر همکاری مالی گسترده‌ای را میان دولت‌های ملی ایجاد می‌کند (قوام، ۱۳۹۵). آنها معتقدند: دولت‌ها را نباید یک واحد یکپارچه تصور کرد و با آن مواجه شد. دولت‌ها در نسبت با افکار عمومی و نهادهای مردمی و رسانه‌ها آسیب‌پذیر، قابل نفوذ و فشار هستند. از این رو، نئوکارکردگرایان نیز معتقدند که فرایند همگرایی به یک وضعیت سیاسی منتهی خواهد شد که یک جامعه سیاسی در منطقه شکل گرفته و سرانجام ممکن نیست که super state شکل بگیرد. هدف نئوکارکردگرایی در نهایت یک نهاد فراملی است که براساس همکاری‌های فنی و اقتصادی شکل می‌گیرد. آنها تا حدودی نقش دولت را نادیده می‌گیرند و این‌گونه می‌پندارند که دولت‌ها در اثر فشار نهادهای فراملی مجبور به همکاری با هم می‌شوند (حق‌پرست، ۱۴۰۲).

1. NATO
2. Warsaw Pact
3. functionalism

در ادامه نظریه کارکردگرایی، گروه نظریه مبادله معتقدند که هراندازه میزان و حجم مبادلات افزایش یابد، به همان اندازه نسبت به درجه همگرایی میان واحدهای سیاسی افزوده می‌شود (قوام، ۱۳۹۵)؛ البته همیشه چنین نخواهد بود و مبادلات تجاری ایران و امارات و حضور سرمایه‌های کلان ایرانی در امارات باعث همگرایی و نزدیکی سیاسی دو طرف نشد.

۲. پرسش‌های مقاله

۲-۱. پرسش اصلی

چه مدل و الگوهایی را می‌توان با بررسی روش‌های تأمین امنیت اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته برای ایران استخراج و ارائه کرد؟

۲-۲. پرسش‌های فرعی

تهدیدات و آسیب‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران چیست و چگونه بر امنیت و منافع اقتصادی آن تأثیر می‌گذارد؟ و کشورهای توسعه‌یافته چگونه امنیت اقتصادی خود را تأمین کرده‌اند؟

۳. طرح مسئله

علمای سیاست تعاریف مختلفی از این علم ارائه کرده‌اند؛ مانند ریمون آرون^۱ سیاست را فن حکومت بر جوامع انسانی دانسته یا سیاست توزیع اقتدارآمیز ارزش‌هاست (ریمون آرون، ۱۴۰۲). فرهنگ علوم سیاسی سیاست را علمی دانسته که به ما می‌آموزد چه کسی می‌برد، چه می‌برد، کجا می‌برد، چگونه و چرا می‌برد؟ (جاسمی و جاسمی، ۱۳۵۷)؛ اما به اختصار در این مقاله با نگاهی جامع به سیاست و تعاریف آن، سیاست را فن دستیابی، حفظ و نمایش قدرت به هر قیمت در نظر می‌گیریم که به این ترتیب، همه فنون و علوم می‌توانند ابزاری برای سیاست و سیاست‌ورزی باشند. فن و حرفه‌هایی مانند تجارت، اقتصاد، فرهنگ، رسانه و... از این قاعده مستثنا نخواهند بود. براساس این، سیاستمداران با تسلط و استفاده از این ابزار می‌کوشند تا قدرت کسب یا آن چیزی را حفظ نمایند که به دست آورده‌اند.

قدرت عبارت است از اعمال قهر متشکل از یک طبقه برای سرکوب طبقه کارگر (مارکس و انگلس، ۱۳۵۹). قدرت را می‌توان به معنای پدیدآوردن آثار مطلوب تعریف کرد (راسل، ۱۳۶۷).

1. Raymond Aron

بنا به تعریفی دیگر قدرت قابلیت تعمیم یافته‌ای برای تضمین اجرای تعهدات الزام‌آور واحدهایی در نظام جمعی است (استیون، ۱۳۷۰). در این مقاله، اما قدرت را نیز تحمیل اراده خود بر دیگران در نظر می‌گیریم؛ به این معنا که کسی چنان‌که می‌تواند اراده خود و تصمیم خود را به یک یا چند نفر به هر ابزار یا روشی تحمیل کند، نسبت به آنها قدرتمندتر است.

اما موضوع اصلی مقاله حاضر امنیت اقتصادی است. مرور کوتاه و کلی بر مفاهیم سیاست و قدرت، باعث می‌شود امنیت اقتصادی و اساساً امنیت را بهتر درک کنیم؛ زیرا از سیاست‌ورزی و تلاش برای قدرت بیشتر است که غالباً امنیت به خطر می‌افتد، از این رو، باید برای شناخت صحیح، تأمین و تبیین امنیت اقتصادی، سیاست و قدرت را شناخت. بوزان^۱ امنیت را براساس دو مفروض تعریف می‌کند: تهدیدات نسبت به دولت‌ها که براساس تهدید امنیتی به‌طوراساسی از مرزهای خارجی ظهور می‌کند که این تهدیدات اساساً اگر نه انحصاراً، دارای ماهیت نظامی و معمولاً نیازمند واکنش نظامی است (میرعرب و سجادی، ۱۳۷۹).

امنیتی کردن نمونه شدیدتر پدیده سیاسی کردن است. یک چیز به‌عنوان یک موضوع امنیتی تعیین و برگزیده می‌شود؛ چون می‌توان استدلال قانع‌کننده‌ای اقامه کرد مبنی بر اینکه این موضوع از مسائل در دستور کار سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار است و از این رو، باید به آن اولویت مطلق داد. بنابراین، امنیت خود ارجاع است. یک موضوع ضرورتاً به‌دلیل اینکه تهدید وجودی واقعی علیه آن وجود دارد امنیتی نمی‌شود؛ بلکه به این علت امنیتی می‌شود که می‌تواند به‌عنوان تهدید وجودی بر ساخته شده و سپس تشکیلات سیاسی نیز آن را به این صورت بپذیرد (Buzan, 1998).

در نظر این مقاله امنیت توازن میان آسیب و تهدید است که همواره آسیب‌ها حاصل عوامل داخلی یا بیرونی و تهدیدات حاصل عوامل خارجی و بیرونی هستند. از این رو، بحث امنیت از کوچک‌ترین عنصر بشر یعنی انسان تا کره زمین قابل بررسی و تعمیم است. امنیت اقتصادی نیز بنا به تعریف امنیت در این مقاله، توازن میان آسیب‌های اقتصادی و تهدیدات بیرونی است که می‌توان آسیب‌ها و تهدیدات اقتصادی را به این ترتیب برشمرد:

۱. آسیب‌های اقتصادی: عدم توجه به شایسته‌سالاری، عدم توجه به سابقه، تجربه و تخصص افراد، نبود رقابت اقتصادی، اقتصاد دولتی و تصدیگری، عدم شفافیت مالی و پولی و در نهایت آنچه حاصل همه اینهاست، ناتوانی و ضعف در تولید خواهد بود که عامل اصلی و نهایی آسیب‌های اقتصادی است.

۲. تهدیدات اقتصادی: شامل قطع ارتباطات بانکی بین‌المللی، موانع جذب سرمایه‌گذاری

1. Barry Buzan

خارجی، موانع صادرات عادی نفتی، تحریم‌های تجاری غیرنفتی که در مجموع می‌توان تهدیدات اقتصادی را در تحریم خلاصه کرد. در مناسبات بین‌المللی کشور یا کشورهایی با اعمال تحریم علیه یک یا چند کشور سعی می‌کنند سیاست خارجی یا حتی داخلی آن را با خود هماهنگ یا به سمت اراده خود هدایت کنند.

در این زمینه در طول تاریخ هم اندیشمندان متعددی اظهارنظر کرده‌اند؛ مانند آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل رابطه میان اقتصاد و ثروت با دفاع اشاره و آن را بررسی کرده است. سوسیالیست^۱ ها اقتصاد را زیربنای همه واقعات‌های سیاسی و اجتماعی جامعه می‌دانند و لیبرال‌ها نیز اقتصاد را در اولویت نخست دانسته‌اند؛ اما به هر قیمت اقتصاد براساس هر نگاهی یکی از شاخه‌های مهم ارزیابی قدرت کشورهاست و داشتن اقتصاد قوی به پیشبرد اهداف راهبردی کلان کشور کمک می‌کند. امنیت با قدرت اقتصادی و مالی، و ناامنی با فقر رابطه مستقیم دارد. یک اقتصاد پایدار با عملکرد خوب و بلندمدت ممکن است در واقع هیچ ایمنی، رفاه و ثباتی وجود نداشته باشد؛ زیرا اقتصاد و امور مالی تأثیری مستقیم بر ارتش، نظم و امنیت عمومی دارند (France & Andei, 2010). درعین حال، در نبود امنیت، اقتصاد و تجارت دچار خلل و چالش‌های اساسی خواهد شد؛ ازاین‌رو، رویکرد امنیت اقتصادی یکی از مکاتب مهم در امنیت به شمار می‌آید.

۴. متن اصلی

شاخص‌های امنیت اقتصادی و ارزیابی آن را به‌این ترتیب عنوان می‌کنند که متأسفانه تقریباً در تمامی موارد در ایران دچار چالش هستیم:

شاخص‌های امنیت اقتصادی	
تأمین کالا و خدمات جامعه	۱
حفظ منافع اقتصادی کشور	۲
نرخ پایین تورم	۳
تعادل تراز پرداخت‌ها	۴
ثبات بازارهای مالی و ارزی	۵
تبادلات مالی و بانکی بین‌المللی	۶

ازاین‌رو، در سال‌های اخیر امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین دغدغه مدیران و سازمان‌های امنیتی و دفاعی کشور بوده است؛ زیرا در نبود امنیت اقتصادی کشور دچار بحران‌های داخلی و

1. Socialisme

بین‌المللی شده و نارضایتی عمومی و فعالان اقتصادی و تجاری را به دنبال خواهد داشت. از دیگر سو، در محیط بین‌المللی کشورهای همسایه و رقیب ایران مانند قطر، عربستان و ترکیه همواره در حال رشد و توسعه هستند. در حال حاضر، قطر ماهانه ۹ میلیارد دلار به کشورهای چین، ژاپن، هند و کرده جنوبی گاز صادر می‌کند و عربستان در سال جاری حدود ۴۰ میلیارد دلار در حوزه هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری خواهد کرد. ترکمنستان نخستین شهر هوشمند هود را با مجهز بودن به 5G با سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد دلار افتتاح کرد. امارات قدرت هشتم هوش مصنوعی در جهان است و فرودگاه استانبول در سال ۲۰۲۳ پرتددترین فرودگاه جهان شد؛ اما متأسفانه در ایران با وجود تلاش‌های بسیار و دستاوردهای مهم، حدود ۱۰ میلیارد دلار مطالبه صادرات گاز به عراق محقق نشده و بلوکه است و در سال ۱۳۷۱ ژاپن، آلمان و ایتالیا جزء شرکای نخست تجاری ایران بودند که در سال ۲۰۲۳ به دلیل تحریم‌های بیرونی به دو کشور امارات و چین محدود شده‌ایم.

۴-۱. آسیب‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

برای بررسی و ارائه پیشنهادات جهت رفع آسیب‌ها و تهدیدات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران باید منشأ آنها را دقیقاً کنکاش کرد. بنا به فرض این مقاله علت و خلاصه آسیب‌های اقتصادی ج.ا.ا. ضعف در کمیت و کیفیت تولید در کشور است. برای درک و شرح این نکته می‌توان مثال‌هایی را ذکر کرد:

۱. درگیری روسیه و اوکراین (فوریه ۲۰۲۲): در آن مقطع که روسیه به شدت نیازمند واردات مواد غذایی، پوشاک و... بود، جمهوری اسلامی ایران دستاوردهایی داشته است؛ اما به دلیل نداشتن کیفیت و کمیت لازم در تولید موفق نشده تا خود را در بازار روسیه در نسبت با فرصت پیش آمده تثبیت کند. متأسفانه ما در ماه‌های نخست، جدای از مسئله محصول، توان و ظرفیت لجستیکی نیز نداشتیم.

۲. درگیری قره‌باغ (سپتامبر ۲۰۲۲): در درگیری آذربایجان و ارمنستان، ترکیه از آذربایجان حمایت مستقیم کرد و ارمنستان در پاسخ به این اقدام بیش از ۲۳۰۰ کالای ترک را ممنوع کرد و اولویت واردات را نیز از ایران قرار داد؛ اما متأسفانه در این فرصت نیز موفقیت قابل توجهی به دست نیامد و علت همان مشکل کمیت و کیفیت لازم و مستمر بود.

۳. تحریم قطر توسط کشورهای عربی (ژوئن ۲۰۱۷): قطر در موضوع تحریم با محوریت امارات و عربستان، اولویت جایگزینی واردات خود را ترکیه و ایران قرار داد؛ اما ایران در نسبت با ترکیه موفقیت چندانی نداشت. چون اقتصاد ترکیه جدای از کیفیت و کمیت لازم، در اختیار بخش

خصوصی است و از این رو، بسیار چابک و انعطاف پذیر عمل می کند.

در جهان مثال هایی وجود دارد که کشورها با استفاده از چنین فرصت های پیش آمده خود را در کشور هدف توسعه داده و در بازار آن تثبیت می کنند؛ مانند مکزیک که با استفاده از محدودیت های مقطع کرونا^۱ و وضع تعرفه های دولت ترامپ روی کالاهای چینی با امضای تفاهم نامه های تجاری با آمریکا، خود را وارد اقتصاد آمریکا کرد و امروزه ۲۵ درصد کالاهای تولید مکزیک به آمریکا صادر می شود و آمریکا هم ۴۰ درصد از سهم واردات مکزیک را به خود اختصاص داده است و تجارت سالانه دو کشور بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار است (اکوایران، ۱۴۰۲).

۲-۴. تهدیدات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران

منشأ تهدیدات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز تحریم های بین المللی است که آن هم از یک منظر به مسئله آسیب های اقتصادی و ضعف کشور در تولید بازمی گردد. بدیهی است که تحریم یک چالش جدی برای کشور است و روابط تجاری، اقتصادی و بانکی را دچار دشواری و محدودیت هایی کرده است که باید تدبیر شود. ما نمی توانیم با شیوه های فعلی به اندازه کافی و مفید نفت بفروشیم. از این رو، در بودجه کشور همواره دچار مشکل هستیم. نمی توانیم با وجود فرصت های بسیار در زمینه های مختلف، سرمایه گذاری خارجی جذب کنیم یا سرمایه گذاری مشترک داشته باشیم و روابط عادی بانکی و پولی با دیگر کشورها برقرار کنیم که این باعث فساد، عدم شفافیت و رانت در کشور شده است. آنچه به عنوان راهکار مؤثر در این مقاله فرض شده تأسیس و حضور در سازمان های بین المللی است که در جهت دفع تهدیدات مؤثر واقع خواهد شد.

ممکن است در حال حاضر و در میان درگیری و جنگ تجاری آمریکا و چین برای بسیاری این پرسش مطرح شود که آمریکا چرا اقتصاد چین را مانند روسیه، ایران یا کره شمالی کاملاً نمی بندد و مورد تحریم قرار نمی دهد؟ پاسخ بسیار روشن است! به این دلیل که نمی تواند و دلیل نتوانستن نیز از آنجاست که چین در بیش از ۱۲۰ سازمان بین المللی جهان حضور فعال دارد و برای جذب سرمایه گذار خارجی از جهان بیش از ۶۰۰ کنوانسیون بین المللی را پذیرفته است. همچنین، حدود ۶۰ درصد تولیدکنندگان چینی با هدف صادرات کار می کنند و بیش از ۳۰ درصد بازار ایالات متحده در اختیار چین است و در نهایت به عنوان مثال، چین توانسته است در طول یک دهه تلاش و برنامه ریزی، به بزرگ ترین تولیدکننده خودرو در جهان تبدیل شود (ایسنا، ۱۴۰۲). حال آیا تحریم چین به سادگی ممکن است؟

1. Coronaviruses

روسیه و ایران به راحتی تحریم می‌شوند؛ زیرا هیچ کشوری در جهان از لحاظ اقتصادی و تجاری به این کشورها وابستگی ندارد؛ از این رو در سال‌های اخیر روسیه اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱ را تأسیس کرده و ایران نیز تلاش‌هایی در مجامع بین‌المللی مانند شانگهای^۲ و بریکس^۳ کرده است.

۳-۴. تفکر جمعی و چندجانبه در سیاست خارجی ایران

بعد از جنگ سرد، حکمرانی جهانی به سمت محدود کردن عرصه برای حکومت‌ها و دولت-ملت‌ها پیش رفته که در این میان سازمان‌های بین‌المللی و دیپلماسی چندجانبه جایگاهی ویژه پیدا کرده‌اند. دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به صورت دیپلماسی یک‌جانبه کنشگری فعال و تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل داشته باشند و به این ترتیب، حتی قدرت‌های بزرگ با حضور و فعالیت در سازمان‌های بین‌المللی سیاست‌های خود را دنبال می‌کنند. قدرت‌های کوچک هم با تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای مانند شورای همکاری خلیج فارس^۴ توسط شش کشور عرب‌زبان حوزه خلیج فارس تلاش می‌کنند که سیاست‌های خود را پیش برده و می‌دانیم که متأسفانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی مواضع این نهاد بین‌المللی همواره موجب آزار و اذیت‌هایی هرچند بی‌اهمیت برای جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ در صورتی که اگر به جز عربستان، پنج کشور دیگر این نهاد را در کنار هم قرار دهیم، وسعت و جمعیت آنها به یک چهارم ایران هم نخواهد رسید یا در مثال‌های دیگر می‌توان از تعریف شورای همکاری خلیج فارس در ذیل فصل هشتم منشور سازمان ملل متحد یا حضور قدرتمند عربستان در صندوق بین‌المللی پول سازمان ملل متحد^۵ نام برد (حق پرست، ۱۴۰۲).

از این رو، بدیهی است که اصول نظام بین‌الملل، به قواعد جمعی و چندجانبه روی آورده و ما در جمهوری اسلامی ایران نیز با غفلت از سازمان‌های بین‌المللی، به راحتی با کمترین خسارت و هزینه از روابط بین‌الملل کنار گذاشته و تحریم می‌شویم. سازمان‌ها، مجامع و نهادهای بین‌المللی به راحتی و سرسختانه ما را نکوهش و سرزنش می‌کنند تا موجب بی‌اعتباری ما در جهان شوند، بدون اینکه هیچ پاسخی از هیچ جامعه و نهاد بین‌المللی دریافت کنند، جز حمایت‌های پراکنده بعضی کشورها، آن هم صرفاً در حد موضع‌گیری.

1. Eurasian Economic Union
2. Shanghai Cooperation Organisation
3. BRICS is an intergovernmental organization comprising Brazil, Russia, India, China, South Africa, Iran, Egypt, Ethiopia, and the United Arab Emirates
4. Persian Gulf Cooperation Council
5. International Monetary Fund (IMF)

براساس این، جمهوری اسلامی ایران باید در جهت تقویت دیپلماسی چندجانبه خود تلاش جدی داشته باشد تا بتواند کنشگری متناسب با قدرت داخلی، در عرصه بین‌الملل باشد. ما از همه مؤلفه‌های قدرت در داخل مانند جمعیت، وسعت، توان دفاعی و رهبری متمرکز برخوردار هستیم؛ اما آنچنان‌که باید در حوزه بین‌الملل تأثیر و حضور مورد انتظار را نداریم، که جبران این خلأ به‌وسیله دیپلماسی چندجانبه ممکن خواهد بود.

۴-۴. سازمان‌های بین‌المللی؛ اهداف و کارکردها

یکی از عوامل تبدیل روابط بین‌الملل به رشته علمی و افزودن به پیچیدگی‌های آن، پیشرفت و تقویت سازمان‌های بین‌المللی در قرن اخیر بود. سازمان‌های بین‌المللی برای تأمین نیازها و دستیابی اهداف انسانی و جوامع در خارج از کشورها شکل می‌گیرند و برای تحقق اهدافی با موضوع خاص فعالیت می‌کنند. مبنای تشکیل یک سازمان بین‌المللی پیمان، منشور، اساسنامه و عهدنامه است. امروزه واقعیات موجود جامعه جهانی بیانگر این موضوع است که بنا بر دگرگونی‌های پارادایمی در عرصه نظام بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی جایگاه و نقشی ویژه در تحولات جهانی یافته‌اند (غفوری، ۱۳۹۴).

نخستین تجربه بشریت در ایجاد سازمان بین‌المللی عام به بعد از جنگ اول بین‌الملل بازمی‌گردد که «جامعه ملل» نام گرفته و با آغاز جنگ جهانی دوم این طرح شکست خورد و اولین سازمان بین‌المللی خاص نیز در سال ۱۹۱۹ با موضوع کار و اشتغال تأسیس شد که بنا به شرایط آن مقطع در مواجهه و واکنش به انقلاب صنعتی بود. شکل‌گیری نسبتاً موفق اتحادیه اروپا، تداوم سازمان‌های بین‌المللی مانند کار، سازمان ملل متحد^۱ و تأثیرگذاری آنها بر رفتار دولت‌ها و تلاش برای شکل‌گیری اتحادیه آفریقا^۲ و همچنین وجود و شکل‌گیری صدها سازمان و اتحادیه بین‌المللی در آسیا، اروپا و آمریکا و آفریقا و همچنین، حضور مداوم و قدرتمند شرکت‌های چندملیتی و ورود آنها به مناطق مختلف جهان، همگی نشان از تثبیت شدن حاکمیت جهانی و ضعیف شدن اختیار عمل دولت‌هاست.

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز با اهداف انسان‌دوستانه و مقدم دانستن منافع بین‌المللی بر منافع شخصی و محدود مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^۳ و اتاق بین‌المللی بازرگانی^۴ شکل

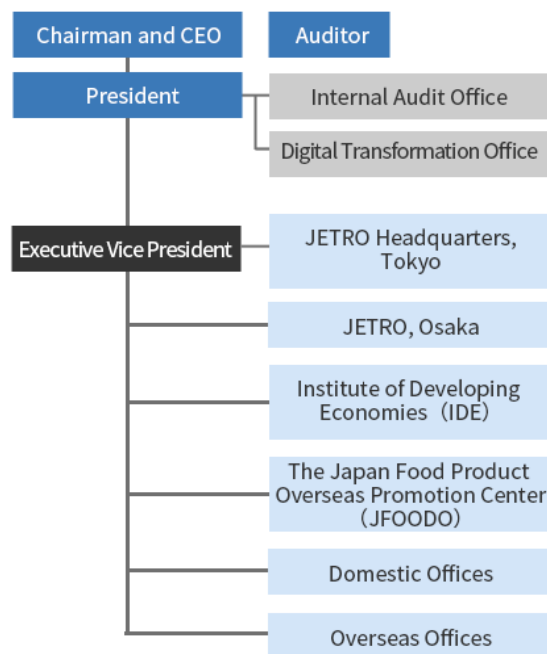
1. United Nations
2. African Union
3. International Committee of the Red Cross
4. International Chamber of Commerce

گرفته و از سال ۱۸۴۰ تا ۱۹۱۴ تعداد این سازمان‌ها و اتحادیه‌های خصوصی از مرز چهارصد جامعه تجاوز کرد (غفوری، ۱۳۹۴).

۵. الگوی موفق ژاپن در توسعه صادرات: جترو^۱

تراز پرداخت‌های ژاپن در سال ۱۹۵۳ منفی شد و بعد از جنگ دوم بین‌الملل کاهش میزان تقاضا در داخل سبب شد که مقادیر زیادی از کالا در انبار انباشت شود که به این ترتیب برای ژاپن راهی جز توسعه صادرات جهت رفع این چالش وجود نداشت. همچنین، مشکلات ارزی ژاپن در آن مقطع دلیل دیگری بر اتخاذ سیاست توسعه صادرات شد. این کشور مدتی بدون خط و مشی مشخص و کورکورانه صادرات را دنبال کرد؛ اما متوجه شد که کاری دشوار و با پیچیدگی خاص خود است. از این رو، بعضی از شرکت‌های بزرگ دفاتر خارجی خود را در کشورهای هدف تأسیس کردند و دولت نیز شورای صادرات و شورای تجارت را شکل داد تا بعد از پنج سال فعالیت، به نتایج و پختگی لازم رسید و ساختار تجاری خود را با سازمان تجارت خارجی ژاپن تأسیس کرد. جترو سازمانی است دولتی که با هدف بازسازی اقتصاد ژاپن از طریق توسعه صادرات و درآمد ارزی شکل گرفت. در آن زمان شرکت‌های ژاپنی از عهده هزینه‌های تحقیق و توسعه بازار و مطالعه بازار بر نمی‌آمدند و امکان اعزام به کشورها را نداشتند. از این رو، در چند سال اول جترو تمرکز خود را بر این قرار داد و همه کارشناسان معتقدند که موفقیت صادرات ژاپن به تحقیقات و مطالعات و اطلاعات دقیق جمع‌آوری شده آن بستگی دارد. براساس اطلاعات پایگاه اطلاع‌رسانی جترو، ساختار سازمانی آن به این ترتیب است:

1. Jetro: Japan External Trade Organization



شکل ۱: ساختار سازمانی جترو

ماهیت جترو: جترو در همه فعالیت‌های اقتصادی ژاپن حضور دارد و هیچ تصمیم اقتصادی بدون موافقت آن به اجرا در نمی‌آید. سازمانی است دولتی، اما بودجه خود را بر اساس مطالعات، تحقیقات و خدمات مورد نیاز بخش خصوصی تنظیم می‌کند، از این رو، فقط به طور ساختاری به دولت (وزارت بازرگانی و صنایع) وابسته است؛ اما در عمل به طور مستقل تصمیم می‌گیرد. جمع‌آوری اطلاعات در مورد روحيات، سلیقه‌های مردم و نظر دولتمردان و حتی آیندگان سیاسی، اقتصادی و تجاری کشورهای هدف و همچنین، اعطای بورسیه به جوانان مستعد پیشرفت در سیستم‌های دولتی و خصوصی کشور هدف نیز از مأموریت‌های جترو است تا آنها نگاه ویژه و احساس تعلق نسبت به ژاپن در دوران تصدی خود داشته باشند. این سازمان به بیش از ۵ هزار شرکت ژاپنی خدمات ارائه می‌کند و تمام فرایند کمیت و کیفیت، برگزاری نمایشگاه‌های خارجی، تبادلات و حتی مواردی مانند مذاکرات، عقد قرارداد، تبلیغات و... با نظارت یا مشورت آن انجام می‌شود.

فعالیت‌های وارداتی نیز از طریق جترو انجام می‌شود. از این رو، این سازمان سالانه ۴۰۰ هزار درخواست صادرات به ژاپن را دریافت و بررسی می‌کند. جترو در بیش از ۶۰ کشور جهان ۱۳۰

دفتر تجاری از جمله ایران دارد که حضور ایران در رویدادهایی مانند اکسپو ۲۰۲۵ ژاپن^۱ از طریق این دفاتر هماهنگ شده است. در نهایت ژاپن به وسیله جترو سالانه بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار مازاد تجاری دارد. فلسفه شکل‌گیری و شعار جترو براساس این استوار است که یک تولیدکننده خود لزوماً یک صادرکننده خود نخواهد بود. این یعنی جترو عمیقاً این مهم را درک کرده است که برای کسب موفقیت در رقابت، باید روی یک هدف متمرکز شد. یک مجموعه صنعتی نمی‌تواند هم تولید کند و صادرات و فعالیت‌های تجاری خوبی نیز داشته باشد. حتی در زمینه تولیدکنندگان نیز در نگاه کلان و راهبردی باید در یک یا چند زمینه هر کشوری بنا به مزیت‌های نسبی و مطلق خود متمرکز باشد. ژاپن در زمینه صنایع الکترونیک و لوازم خانگی و در کنار آن خودرو و ماشین‌آلات سنگین متمرکز شده است و اینها را جزء صنایع راهبردی خود انتخاب کرده است. یکی دیگر از کشورهای که در این زمینه طی سه دهه اخیر وارد شده و موفقیت بسیاری به دست آورده ترکیه است.

۶. مدل موفق صادرات خدمات فنی و مهندسی ترکیه

ترکیه در برنامه چشم‌انداز اقتصادی ۲۰۲۵ خود براساس اسناد بالادستی، معین کرده است که در میان ۱۰ اقتصاد برتر جهان قرار گیرد و نرخ بیکاری تا ۵ درصد کاهش پیدا کند و درآمد سرانه تا ۲۵ هزار دلار برسد و صادرات ترکیه به ۵۰۰ میلیارد دلار برسد و ترکیه به ۵ کشور نخست مقصد گردشگری جهان تبدیل شود و ۱۱ صنعت در میان صنایع مختلف، به‌عنوان صنایع راهبردی کشور تعیین شود که در حال حاضر اکثر اهداف یادشده تقریباً محقق شده است. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ ترکیه تولید ناخالص ملی^۲ خود را از ۲۷۳ میلیارد دلار به ۸۰۲ میلیارد دلار رساند و میانگین رشد اقتصادی این کشور ۵/۵ درصد بوده است (پایگاه اطلاع‌رسانی دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، ۱۴۰۱). وزارت امور خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت خزانه‌داری و آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه مهم‌ترین نقش‌آفرینان در دیپلماسی اقتصادی ترکیه هستند. وزارت بازرگانی که مسئول اعزام ریزنان بازرگانی است، ۱۷۹ ریزن را به بیش از ۱۱۰ کشور اعزام کرده است. ترکیه در مجموع با اتحادیه اروپا، که به‌عنوان شریک اول تجاری آن به شمار می‌آید، در سال بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار مبادله تجاری دارد. یکی از حوزه‌هایی که ترکیه روی آن متمرکز شده و تصمیم خود را برای صادرات و کسب درآمد ارزی محقق کرده، خدمات فنی و مهندسی است. این کشور از نظر تعداد شرکت‌های پیمانکاری در فهرست ۲۵۰ پیمانکار بین‌المللی جهان، بعد از چین جایگاه دوم را دارد. حجم کل پروژه‌های

1. Expo 2025 is an upcoming World Expo organised by the Bureau International des Expositions, which will be held in Osaka, Japan

2. Gross domestic product

پیمانکاران ترک از زمان ورود به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی تاکنون بیش از ۴۷۲ میلیارد دلار بوده است. این شرکت‌ها در ۱۳۳ کشور بیش از ۱۱ هزار پروژه را به سرانجام رساندند. سهم ترکیه از کل بازار خدمات فنی و مهندسی جهان ۵ درصد است و از بازار اتحادیه اروپا ۲۵ درصد، خاورمیانه ۱۹ درصد و آفریقا ۱۲ درصد. ترکیه در عراق در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۶۴۵ میلیارد دلار پروژه را پذیرفت و در مجموع در کشورهای قزاقستان ۲۸۰ پروژه، آذربایجان ۳۶۶ پروژه، گرجستان ۲۰۵ پروژه، ترکمنستان ۹۸۷ و در روسیه ۱۹۳۰ پروژه را به سرانجام رسانده است. ترکیه در سال ۲۰۲۲ بیش از ۱۴۰ میلیارد دلار صادرات خدمات داشته که ۹۰ میلیارد دلار سهم صادرات خدمات فنی و مهندسی بوده است.

این کشور فعالیت خود را در این زمینه در سال ۱۹۵۲ در آنکارا با حضور ۱۲۵ شرکت عمرانی در قالب یک کنسرسیوم آغاز کرد و در سال ۱۹۷۲ نخستین پروژه بین‌المللی خود را در لیبی آغاز کرد. شرکت CIMTAS جزء شرکت‌های شاخص ترکیه در صادرات خدمات فنی و مهندسی است که پروژه‌هایی مانند برج ساعت مکه، مجموعه کانت سو در روسیه، پل شاخ طلایی استانبول را به سرانجام رساند. همچنین، شرکت ARUP که پروژه‌هایی مانند فرودگاه جواهر چانگی سنگاپور، خط مترو لندن، پل دریایی هنگ کنگ و مجتمع علوم و مهندسی نورث ایسترن کانادا^۱ را اجرا کرده است. این موفقیت‌های اقتصادی ترکیه نشان از تصمیم جدی، برنامه‌ریزی و تمرکز دولت ترکیه در پیشرفت‌های اقتصادی و توجه به مزیت‌های نسبی آن کشور است.

۷. الگوی موفق آلمان در تولید: ساخت آلمان^۲

تا کمتر از سه دهه پیش به نظر می‌رسید که آلمان به‌طور کامل از صحنه اقتصادی حذف خواهد شد. مالیات بالا و فزاینده به جایی رسید که در اواخر ۱۹۹۰ بیش از ۳۷ درصد تولید ناخالص ملی این کشور را می‌بلعید. بیکاری گسترده پیش آمد تا جایی که در سال ۲۰۰۶ به ۱۲ درصد رسید. کاهش زادوولد و افزایش سن بازنشستگی هم چالش جدی برای دولت شد. آلمان در برابر فعالیت‌های کارآفرینی سیلیکان ولی^۳ هیچ حرفی برای گفتن نداشت و در برابر توسعه اینترنت تماشاگر بود. در شرایطی که آمریکا به یک اقتصاد خدماتی تبدیل می‌شد و تصمیم گرفت نقش مغز جهان را بازی کند و حوزه تولید را به دست و پای جهان یعنی چین واگذار کند، مدیران آلمانی به تولید چسبیده بودند که به نظر عجیب و نسنجیده می‌آمد.

1. Northeastern Canada Science and Engineering Complex

2. Made in Germany

3. Silicon Valley

اما آلمان در طول کمتر از یک دهه توانست اقتصاد خود را سرپا کند و در شرایطی که اقتصادهای پیشرفته جهان مانند آمریکا با افزایش بیکاری مواجه بودند و به خدمات مالی و املاک وابسته شدند، آلمان روند کاهش بیکاری را تجربه می‌کرد. این کشور در سال ۲۰۱۳ با فاصله کمی پشت سر چین و آمریکا، در میان بزرگ‌ترین صادرکنندگان جهان در جایگاه سوم ایستاد. آلمان با ۸۱ میلیون نفر جمعیت کمابیش به اندازه ایالات متحده با ۳۱۴ میلیون نفر جمعیت به جهان کالا صادر می‌کرد. صادرات آلمان با جمعیتی بالغ بر ۶ درصد چین، به اندازه ۷۰ درصد صادرات این کشور بود. بیکاری در بعضی مناطق به صفر رسید؛ درحالی که دیگر کشورهای حوزه یورو رکود را تجربه می‌کردند. اما سؤال اینجاست که آلمان چگونه به این موفقیت دست پیدا کرد؟

در شرایطی که آلمان بعد از جنگ دوم بین‌الملل جزء کشورهای شکست‌خورده بود و دارایی‌های آن در خارج از کشور ضبط شده بود، همچنین آلمان انرژی ارزان قیمت، دسترسی به آب‌های آزاد و منابع طبیعی را در اختیار نداشت و بعد از جنگ به دو قسمت تقسیم شده و به شدت درگیر مسائل ایدئولوژیک بود، در چنین شرایطی این کشور توانست در کمتر از یک دهه خود را بازسازی کند و از ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۰ این کشور ۱۱ برابر انگلستان که پیروز جنگ بود، ثبت اختراع داشت. در شرایطی که شرکت‌های بزرگ اروپایی مانند فیات^۱، فورد^۲، جنرال موتورز^۳ در سراسر قاره زیان و رکود را تحمل می‌کردند، بنگاه‌های آلمانی بازار را در اختیار خود گرفتند.

در سال ۱۸۸۷ دولت انگلستان که از جریان ورود محصولات ارزان آلمانی به کشور احساس خطر کرده بودند، دستور داد برچسبی حاوی جمله «ساخت آلمان» روی آن محصولات بچسبانند. در آن زمان نسبت آلمان با انگلیس، چیزی بود شبیه به نسبت چین امروز با اروپا یا آمریکا. آلمان آن روزگار اقتصادی بود تازه پا گرفته و بی‌پروا با انبوهی از نیروی کار ارزان و بلندپروازی تبدیل شدن به یک ابرقدرت اقتصادی. اما کوشش انگلیس برای پشتیبانی از بنگاه‌های داخلی در این رقابت، به زیان آن کشور تمام شد. ساخت آلمان مترادف شد با کیفیت و طرفداران بسیاری پیدا کرد (اوینگ، ۱۳۹۵).

رمز موفقیت آلمان کیفیت بود و بیشترین سهم در این تحول از آن نام‌های آشنایی مانند بنز^۴، بی ام و^۵، آئودی^۶، پورش^۷ و آدیداس^۸ کسب شد. این بنگاه‌ها در زمان مناسب در کشورهایی مانند

1. Fiat S.p.A.
2. Ford Motor Company
3. General Motors
4. Mercedes-Benz AG
5. Bayerische Motoren Werke AG
6. Audi
7. Porsche
8. adidas

چین و دیگر اقتصادهای رو به شکوفایی سرمایه‌گذاری کردند و آنها برای جبران هزینه کارگر به اتوماسیون روی آوردند، برخی از مراکز تولید را به اروپای شرقی یا آسیا منتقل کردند و درعین حال سعی کردند کار تحقیق و توسعه و مالکیت فکری از خانه دور نشود. این شرکت‌ها در زمینه‌های تخصصی خود متمرکز شدند و از کارهای متفرقه پرهیز کردند. در سال‌های پایانی دهه ۹۰ بنگاه‌های آلمانی تصمیم گرفتند کسب‌وکارشان را بر محور کاری شکل دهند که در آن استاد بودند. دایملر^۱ که در صدر امپراتوری بنگاهی آلمان بود، دست از صنعت هواپیما، قطار و لوازم خانگی برداشت و بعدها حتی سهام کرایسلر را هم واگذار کرد. از آن پس فقط بر چیزی تمرکز کرد که خود از عهده آن برمی‌آمد؛ یعنی تولید خودرو و کامیون. زیمنس^۲ تولید گوشی همراه را به همراه ردیفی دیگر از مراکز تولیدی‌اش از جمله تولید قطعات خودرو یا فناوری اطلاعات را که سودآور نبودند واگذار کرد. یکی از اساسی‌ترین نمونه تجدید ساختار بنگاه‌ها در آلمان، هوخست^۳ بود. تولیدکننده دارو و مواد شیمیایی مستقر در فرانکفورت که یکی از شاخه‌های فاربن^۴ بود و در سال ۱۹۹۹ خود را با شرکت بارون پولانگ^۵ فرانسوی ادغام کرد و اونیتس را پدید آورد.

سیاستمداران گروه بعدی هستند که در موفقیت آلمان مؤثر واقع شدند. به‌عنوان مثال، در زمان صدارت گرهارد شودر^۶، دولت نسبت به قانون کار واکنش نشان داد و نوسانات تقاضا بازنگری شد که دشواری را برای شرکت‌ها می‌آفرید؛ زیرا قوانین کار صددرد به نفع کارگران و دست‌کارفرما را بسته بود. قوانین کار آلمان که ضامن آرامش در محیط کار بود و سدی در برابر کمونیسیم به شمار می‌رفت، درست در زمانی که بنگاه‌ها نیاز داشتند که به تغییرات واکنش نشان دهند، تبدیل به باری بر دوش آنان شد. قانون جلوگیری از اخراج کارگر در ظاهر تضمینی برای شغل به شمار می‌رفت؛ اما توهمی بیش نبود؛ چون در اصل موجب توقف استخدام بود. در زمان صدرات مرکل^۷ نیز مالیات از ۲۵ به ۱۵ درصد کاهش یافت که در نوع خود تصمیم جسورانه‌ای بود.

آخرین دسته تأثیرگذار در موفقیت آلمان در فرایند بازسازی اقتصادی، دانشمندان آلمانی بودند که جز عده‌ای دانشمند هسته‌ای که بعد از جنگ به روسیه مهاجرت کردند، بقیه در آلمان ماندند و تلاش کردند که آلمان ساخته شود و در نهایت چیزی که برآیند همه سعی و تلاش‌های این سه

1. Daimler
2. Siemens
3. Hoechst AG
4. IG Farben
5. Baron Poulang Company
6. Gerhard Schröder
7. Angela Merkel

دسته، کیفیت آلمان در تولید بود که باعث شد چین که خود تهدید اصلی برای اقتصادهای پیشرفته غربی به شمار می‌آمد، مشتری اصلی ماشین‌آلات آلمانی باشد. یکی از نخستین چیزهایی که مردم ثروتمند در چین به دنبال آن می‌رفتند، خودروهای شاخص آلمانی بود. تا به امروز هم فروش ماشین‌آلات و خودرو آلمان با آمریکا رقابت می‌کند.

نکته بسیار مهم دیگر این است که با تمام کمبودهای بعد از جنگ به لحاظ مادی و معنوی برای آلمان، دروازه‌های اقتصاد این کشور همواره باز بودند. سال‌هایی بود که در داخل کشور متفقین شرکت‌هایی مانند فاربن و شرکت‌های بزرگ دیگر را متلاشی کردند و هیچ حوزه‌ای در بازار در اختیار شرکت‌های آلمانی نبود و بیشترین امتیاز و بهره‌برداری را هم رقیب همیشگی آلمان یعنی انگلیس داشت؛ اما آلمان معتقد بود که بستن مرزها، ایجاد محدودیت و انحصار جز زیان و عقب‌ماندگی برایشان نخواهد بود؛ زیرا باید همواره تحت تأثیر پیرامون خود و در حال رقابت باشند. از این رو، راهی جز کارآفرینی، فناوری و تولید برای خود باقی نگذاشتند.

۸. جمع‌بندی و پیشنهادها

بدیهی است جمهوری اسلامی ایران نیز در جهان استثنا نیست و نمی‌توانیم اقتصاد دولتی داشته باشیم و در عین حال بر تولید تأکید کنیم. ما نمی‌توانیم به شایسته‌سالاری، تخصص‌گرایی و سوابق افراد بی‌توجه باشیم، اما تولید کارآمد داشته باشیم. نمی‌توانیم به‌عنوان یک کشور با ظرفیت و توان محدود، در پتروشیمی، فولاد، سیمان، لوازم‌خانگی، خودرو، محصولات کشاورزی، لاستیک و... تولید با کیفیت و کمیت لازم با هدف صادرات داشته باشیم. ما این انتخاب را نداریم که درهای کشور را ببندیم؛ اما در عین حال انتظار داشته باشیم که تولیدکنندگان داخلی محصولات با کیفیت تولید کنند. امروز مهم‌ترین اصل فعالیت‌های اقتصادی و تولید، تمرکز است؛ کشورهایی مانند ویتنام و هند در سال‌های جاری خود را به دسته کشورهای توسعه‌یافته ملحق کردند؛ زیرا در حوزه IT و ITC متمرکز شدند. آلمان، ژاپن و کره جنوبی بر صنایع الکترونیک، خودرو و لوازم‌خانگی متمرکز شدند و دیگر کشورهای توسعه‌یافته و دارای امنیت نیز به همین ترتیب عمل کردند. از این رو، آنچه به‌عنوان راهکارهای اجرایی در این مقاله ارائه می‌شود، در جهت ارتقای کمیت و کیفیت تولید در ایران عبارت است از:

۱. خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی ایران که شایسته‌سالاری، نخبه‌گرایی، تخصص‌گرایی را نیز به همراه خود خواهد داشت. تأثیر این سیاست بر اقتصاد ایران قطعاً اساسی و غیرقابل‌باور خواهد بود. به‌عنوان مثال، در المپیک ۲۰۲۴ پاریس، ایران در مجموع رتبه ۲۱ را به خود اختصاص

داد و کشورهایی که از نظر اقتصادی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته‌اند و در زمینه‌های ورزشی نیز از مریبان و حتی ورزشکاران خارجی استفاده کرده‌اند، مانند قطر که رتبه ۸۴ و ترکیه ۶۴ و مالزی رتبه ۸۰ را کسب کرده‌اند. علت این موفقیت ایران عدم حضور دولت در اجرای المپیک و صرفاً حمایت از استعدادهای ایران بود که این استعدادها در حوزه‌های تجاری، اقتصادی و صنعتی نیز وجود دارند؛ اما با دخالت و حضور دولت فرصت شکوفایی نخواهند داشت.

۲. تغییر سیاست‌های گمرکی و گشودن درهای تجاری کشور با انعقاد تفاهم‌نامه‌های آزاد تجاری با کشورها؛

۳. بازبینی صنایع راهبردی با توجه به مزیت‌های نسبی در تولید کشور؛

۴. کشف مزیت‌های نسبی ایران و متمرکز شدن حمایت و تسهیلات دولتی برای آنها؛

۵. بهره‌برداری و اتصال سرریز دانش و طرح‌های تحقیق و توسعه دفاعی به صنایع راهبردی کشور؛

۶. تولید با کیفیت و کمیت لازم صادراتی با ادغام و ایجاد کنسرسیوم‌های تولید ملی؛

۷. اتصال صنایع به مراکز تحقیقاتی، پژوهشی و دانشگاه‌ها؛

۸. شفافیت مالی و اقتصادی در دولت و بانک‌ها؛

۹. پیرامون دفع تهدیدات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران نیز موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱۰. تأسیس سازمان‌های بین‌المللی با محوریت ایران مانند مجمع صادرکنندگان گاز^۱ و

سازمان اکو^۲؛

۱۱. حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و کنوانسیون‌های جهانی مانند اتحادیه اقتصادی

اوراسیا و سازمان همکاری‌های شانگهای که ایران به عضویت آنها درآمد؛

۱۲. اصلاح ساختار تجاری و اقتصاد بین‌الملل ایران با محوریت بخش خصوصی تا با ذینفع

شدن بخش خصوصی در تعاملات بازرگانی، انگیزه لازم برای تلاش مضاعف و جهاد اقتصادی

وجود آید؛ زیرا به نظر مهم‌ترین علتی که سازمان توسعه تجارت ایران موفقیت چندانی از زمان

تأسیس خود تاکنون به دست نیاورده است و متأسفانه ریزبان بازرگانی بعد از دوران خدمت خود در

کشور هدف، جذب سایر ارگان‌ها و بخش خصوصی می‌شوند؛ درحالی‌که لازم است در سازمان

مستقر شده و تجربیات خود را به دیگران در یک فرایند طراحی شده منتقل کنند.

سازمان توسعه تجارت ایران، نهادی است که کارآمدی لازم را ندارد؛ زیرا به بودجه دولتی

وابسته است و وابستگی به دولت نیز خود باعث کاهش کیفیت خدمات و کار خواهد شد که این

1. GECF

2. Economic Cooperation Organization

سطح از خدمات پاسخگویی شرکت‌های خصوصی و نوپا نیست. رایزن بازرگانی نیز در کشور هدف به‌تنهایی امکان پاسخگویی به تمامی شرکت‌های دولتی و خصوصی را ندارد و روشن است که از عهده وظایف خود بر نمی‌آید و حضور او صرفاً جنبه تشریفاتی پیدا کرده و صرفاً با ارائه گزارش‌های اقتصادی غیرکارآمد از کشور هدف محدود خواهد شد.

۱۳. عدم دخالت دولت در تعیین قوانین و مقررات تجاری که بیشترین آسیب را به صادرکنندگان و بازرگانان در سال‌های اخیر وارد کرده است. متأسفانه دولت به بهانه تنظیم بازار داخل به‌صورت خلق‌الساعه مقرراتی را وضع می‌کند که پیامدهای سنگینی برای شرکت‌های صادرکننده به‌دنبال خواهد داشت.

۱۴. ایجاد برندهای ملی با شکل‌گیری کنسرسیوم‌های داخلی صادراتی در بخش‌های مختلف؛

۱۵. یکپارچگی تولید و تجارت به معنای تولید با کیفیت و با هدف صادرات و مدنظر قرار دادن

استاندارهای لازم.

منابع

۱. اسمیت، آدام (۱۳۹۷). ثروت ملل. ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام.
۲. اعلمی، هادی (۱۳۷۹). استراتژی امنیت ملی و ملاحظات دفاعی امنیتی. تهران: دفتر سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۵۶۸۷.
۳. اوینگ، جک (۱۳۹۵). رنسانس اقتصادی آلمان. ترجمه محمد ابراهیم محبوب. چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بازرگانی.
۴. بوزان، باری (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه (۱۴۰۱). «برنامه اقتصادی میان‌مدت ترکیه ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۵». برگرفته از لینک:
<https://economic.mfa.ir/portal/newsview/692870>
۶. پایگاه خبری تحلیلی اکو ایران (۱۴۰۲). مک‌زیک پادشاه واردات به آمریکا در ۲۰۲۳ شد، برگرفته از لینک:
https://ecoiran.com/fa/tiny/news_58596
۷. تاجی زری، نگین؛ حسینی، هومان و آذین کیانی (۱۳۹۰). «شاخص‌های اقتصادی و امنیت ملی ایران». مجله تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۳(۹): ۱۹۳-۲۰۲.
۸. تارو، لستر (۱۳۸۴). آینده سرمایه‌داری. ترجمه عزیزکیاوند. چاپ دوم، تهران: نشر دیدار.
۹. جاسمی، محمد و بهرام جاسمی (۱۳۵۷). فرهنگ علوم سیاسی. چاپ اول، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
۱۰. حق‌پرست، هادی (۱۴۰۱). دیپلماسی تمدنی. چاپ اول، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.
۱۱. حق‌پرست، هادی (۱۴۰۲). دیپلماسی سازندگی. چاپ اول، تهران: اندیشکده روابط بین‌الملل.
۱۲. خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۲). «چین در تولید و فروش خودرو اول شد». برگرفته از لینک:
isna.ir/xdQmX4
۱۳. شیهان، میکال (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل. ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۴. صدرنیا، حسن (۱۳۹۹). «ارزش نقش شورای امنیت کشور در ساختار حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۳(۴)، مسلسل ۹۰، ۱۱۱-۱۴۵.

۱۵. غفوری، محمد (۱۳۹۴). سازمان‌های بین‌المللی. چاپ ششم، تهران: سمت.
۱۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵). اصول سیاست خارجی و سیاست خارجی بین‌الملل. چاپ بیست‌ویکم، تهران: سمت.
۱۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷). مبانی نظری و تبیین تحلیل سیاست بین‌الملل. چاپ دوم، تهران: سمت.
۱۸. میرعرب، مهرداد و عبدالقیوم سجادی (۱۳۷۹). «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت». فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (عج)، ۹، ۱۳۳-۱۴۲.
۱۹. وبگاه رسمی سازمان تجارت خارجی ژاپن:

<https://www.jetro.go.jp/en/jetro>

۲۰. هاروی، جک (۱۳۸۹). اقتصاد جدید. ترجمه محمدباقر نوبخت و فرید نوبخت. چاپ اول، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
21. Buzan, Waever & De Wilde (1998). Security - A New Framework For Analysis. Lynne Rienner Publishers, *History* - 239 p.
22. Ivoan France, v. & Andrei, d.m.(2010). Some opinios On The Relation Between Security Economic Security. *The Romanian journal of economic*, 129-159.
23. Labour Pains (1994). The Economist. All around the world, labour is losing out to capital. Oct 31st 2013.
24. Martin Caranoy Et Al (1993). The New Global Economy In The Information Age (University Park: Pennsylvania State University press).